

معماری در گذر تاریخ (۱): نگاهی تطبیقی به عنصر ستون در معماری هخامنشی و یونان و مصر

نویسنده: رضا محمودی فقیهی

مقدمه : در ناحیه جنوبی ایران و در شمال خلیج فارس، ایالتی واقع شده بود که در روزگار باستان "پارس" نامیده می‌شد، که از آغاز دوره اسلامی مرکز آن شهر شیراز بوده است. در این منطقه از ایران سلسله‌ای به نام هخامنشیان به قدرت رسیدند توانستند سالها بر بخش بسیار مهمی از جهان فرمانروایی کنند. "هخامنشیان از مهارت هنرمندان و صنعتگران ممالک زیر فرمان خویش بهره می‌گرفتند. از این جهت در آثار معماری و صنعت این دوره تأثیر سایر ملل نیز دیده می‌شود. شاهان هخامنشی در مراکز حکومت خود... اقدام به ساختن کاخهای بزرگ و زیبایی کردند که پس از گذشت ۲۵ قرن هنوز بقایای آنها محکم و استوار باقیمانده‌اند. ستونها و سرستونها باقیمانده از پایتختهای هخامنشیان نمونه بارزی است که ما را با هنر معماری و حجاری این دوره آشنا می‌کند. سرستونها غالباً به شکل مجسمه شیر، اسب، گاو، عقاب و حیوانات تلفیقی مانند سر انسان و تن گاو و بال عقاب و گوش گاو هستند."

در این مقاله سعی شده است تا با نگاهی به یکی از مهمترین عناصر معماری در بناهای اصلی ساخته شده در طول فرمانروایی سلسله هخامنشی یعنی ستون و زیرستون، و نمونه‌های مشابه در معماری دوره کلاسیک یونان و مصر باستان عظمت یادگارهای ایران باستان نماینده شود. بنا براین، جریان بررسی آثار از یونان و مصر آغاز شده و با بررسی ستونها و سرستونها تخت جمشید و مجموعه‌های مشابه آن و مقایسه مختصر تمام مجموعه پایان می‌یابد.

یونان

در دوران معاصر عصر هخامنشی در منطقه‌ای دورتر، اما مربوط به هخامنشیان، یونانیان نیز تمدن و معماری خاص خود را برپا کرده بودند. یونانی‌ها در این دوران که عصر کلاسیک هنر و معماری آنها به شمار می‌رود، معابدی بنا کردند چنان با شکوه و زیبا که هنوز هم مایه الهام معماران معاصر هستند.

"در معماری یونانی ستون عنصر اصلی شمرده می‌شد، یعنی ستون اصالت و اهمیت کل ساختمان را دارا بوده است." مهم‌ترین آثار معماری یونانی بنای معابد بوده است، زیرا معابد یکی از مراکز مهم در شهرها محسوب می‌شدند. "معمولاً معابد بر تپه و یا شالوده‌ای بلند بنا می‌گردید تا از سایر ساختمان‌های شهر متمایز شود." این بلندی‌ها را در زبان یونانی آکروپولیس می‌نامند. آکروپولیس‌ها دژهایی بودند که یونانی‌ها در بلندی می‌ساختند و

کاربردهای متعددی داشته‌اند: پناهگاه مردم در زمان جنگ، مسکن حکمرانان، و معبد و نیز مرکز عبادی و مرکز تجمع عمومی. آکروپولیس در شهر آتن یکی از مهم‌ترین آکروپولیس‌هاست. این مجموعه در حدود ۴۵۰ پیش از میلاد پس از جنگ ایران احداث گردید. ساختمان‌ها و مجسمه‌های این منطقه به عنوان بهترین نمونه هنر و معماری یونان باستان به شمار می‌رود. از جمله ساختمان‌های مهم این بلندی عبارتند از:

- معبد پارتنون (Parthenon): معبدی شکوهمند برای الهه آتن.
- ایوان: (دروازه ورودی مرمی) به عنوان ورودی اصلی آکروپولیس
- معبد ارکتیوم (Erechtheum): قهرمان، و بنا بر برخی روایات اسطوره‌ای یکی از خدایان آتن، که جزئیات بسیار دقیقی دارد؛ و
- معبد نیکه (Nike): خدای بالدار پیروزی

ستون‌های یونانی در سه قسمت یا شیوه عمده دسته‌بندی می‌شوند: شیوه دوری (Doric) متعلق به سرزمین اصلی یونان، شیوه ایونی (Ionic) متعلق به آسیای میانه و جزایر دریای اژه، و شیوه کورنتی (Corinthian)، که در اینجا به اختصار به توضیح آنها می‌پردازیم: شیوه دوری: ساده‌ترین نوع ستون‌ها با این شیوه ساخته شده‌اند که شامل ستون‌هایی نیرومند، با سر ستونی ساده و تخت هستند. این شیوه در یونان و مناطق جنوب ایتالیا و سیسیل استفاده می‌شده است. این ستون‌ها دارای شیارهای ۱۶ تا ۲۵ تایی هستند. (بر خلاف شیارهای ۴۸ تایی ستون‌های دروازه ملل تخت جمشید.) در این شیوه ستون‌ها زیرستون ندارند. و مستقیماً بر روی یک زمینه اصلی قرار داده می‌شوند. ستون دوری از کمر به بالا انحنایی خفیف دارد و در بالا به سرتونی مدور به نام بالشتکی ختم می‌شود. "در نظر یونانیان سبک دوریک ظاهری مستحکم و مردانه دارد." نمونه این نوع ستون‌ها در پارتنون دیده می‌شود.

شیوه ایونی: در این شیوه ستون‌ها بلندتر، باریک‌تر و ظریف‌تر هستند. سر ستون آنها با طرحی طوماری تزئین می‌شود. ستون‌ها در وسط کمی کوژ داده می‌شدند تا با وجود مخروطی بودنشان، از دور صاف به نظر آیند. تعداد شیارهای ستون‌ها در این شیوه بیش از شیوه دوری است. بهترین نمونه این سبک معبد نیکه در آکروپولیس است. شیوه کورنتی: در این شیوه که به ندرت در یونان استفاده شده است (بیشتر در معابد رومی ساخته شده است) سرستون‌ها با جزئیات و تزئینات بسیار زیاد با برگ‌های کانتالوس تزئین شده‌اند.

همانطور که می‌بینیم هر یک از این شیوه‌ها محصول خاصی دارند که اندکی با دیگری تفاوت دارد، اما آشکارترین تفاوت بین این سه شیوه در سرستون‌های آنهاست: سرستون دوریک ساده و بی‌تزئین است، و سرستون‌های دو شیوه دیگر به شدت تزئین یافته می‌باشند. گاهی هنرمندان معمار بویژه در شیوه دوری به جای ستون‌هایی که جنبه زیبایی داشتند، نه باربری، به جای ستون‌های معمول که بیشتر توضیح داده شد از مجسمه‌های زن استفاده

می‌کردند. این مجسمه‌ها اصطلاحاً کاریاتید نامیده می‌شوند. معبد ارکتیوم، نزدیک دیوار شمالی آکروپولیس در یونان، نمونه‌ای از این ستون‌ها را دارد.

مصر

در شمال آفریقا، مصریان باستان، وارث تمدنی بودند که بسی پیشتر از تمدن‌های یونان و هخامنشی پایه گذاری شده بود. همانطور که می‌دانیم، مصریان از جمله معمارانی بودند که در ساخت بناهای دوره هخامنشی شرکت داشتند، بنابراین، برای درک بهتر تأثیر آنها بر معماری این دوره، باید نگاهی به معماری این کشور بردازیم. مردم مصر بر این باور بودند که پس از مرگ زندگی همچنان ادامه دارد. پس، برای اطمینان از ادامه زندگی، می‌بایست جسد را در مکانی امن قرار دهند. بنابراین، آن را مومیایی کرده و در مقبره‌ای قرار می‌دادند. بدین ترتیب معابد باشکوه در دوران پادشاهی جدید در مصر جایگاهی همچون هرم‌های دوران پیش از آنها می‌یابند. از جمله مهم‌ترین معابد مصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- معبد رامسس دوم (ابوسمبل): این بنای باشکوه محل این معبد در جریان احداث سد و دریاچه اسوان زیر آب رفت، اما دانشمندان توانستند تمام مجموعه را از جا کنده و در جایی دیگر نصب کنند. ستون‌های این بنا به شکل مجسمه‌های انسانی و همچون خود آن گول پیکر هستند. این ستون‌نماها هیچ نقشی در باربری ندارند و گویی برای نمایش اقتدار و عظمت فرمانروایی فرعون ساخته شده‌اند. در ساخت این قطعات عظیم زیبایی فدای نمایش جلال و قدرت پادشاهی شده است.

- معبد کارناک: بخش اصلی این بنا ساختمانی است که ۱۳۴ ستون در ۹ ردیف دارد. ارتفاع این ستون‌ها ۲۱ متر است. این بنا بزرگترین بنای مذهبی است که تاکنون ساخته شده است. این ستون‌ها قطور و عظیم از قرار گرفتن استوانه‌های کوتاه روی هم ساخته شده‌اند. بر روی بدنه استوانه‌ها نقوش فراوانی حکاکی شده است. سر ستون آنها که ۶/۵ متر قطر دارند، نیز گل پاپیروس باز است. پایه ستون‌ها نیز به شکل یک دایره تخت به قطر تقریبی دو برابر قطر نازک‌ترین بخش ستون هستند.

ستون‌ها در این معبد "با آن که از ارکان ساختمانی [هستند]... برخلاف «ستونهای»... مقابر پادشاهی میانه در بنی حسن و ستونهای پیکره‌ای در ابوسمبل، نقش‌شان به عنوان نگه‌دارنده فشار عمودی [نیست]... و بیننده گمان می‌کند که معماران این ساختمان پیش از آنکه خواسته باشند بر نقش کارکردی ستونها تأکید کنند می‌خواستند از آنها به عنوان زمینه یا سطحی برای تزئین استفاده کنند. این در مقابل روش یونانیان در سده‌های بعد است که با خالی گذاشتن سطح تنه ستون از هر گونه تزئین بر خطوط عمودی تأکید می‌کنند و نقش آن را آشکار می‌سازند."

- معبد لاکسور: دارای هفت جفت ستون‌های با سرستون گل پاپیروس باز به ارتفاع ۱۶ متر.

ستون‌های این بنا از قطعات استوانه‌ای شکل کوتاه بدون هر گونه تزئینی ساخته شده‌اند. پایه ستون‌های آنها به شکل یک دایره ساده می‌باشد.

دو شکل ستون مصری بسیار مهم عبارتند از ستون‌هایی که بر اساس شکل گل لوتوس و پایروس درست شده‌اند و سرستون آنها نیز علاوه بر شکل این دو گل بر اساس گیاه نخل شکل یافته است. به بیان دیگر گیاهان دره نیل، مایه‌های اصلی تزئین در سراسر هنر مصر بوده‌اند. "اگر کسی بخواهد به دنبال احتمال تأثیر معماری بین النهرین در اینجا بگردد، لازم به تذکر است که معماران بین النهرین تا پیش از استیلای ایران بر این سرزمین به ندرت از روش تیر عمودی و افقی استفاده کرده‌اند؛ و ستون کمتر در ساختمان‌هایشان دیده می‌شد." اینها اصول ساخت ستون‌ها تا قرن سوم پیش از میلاد هستند. از آن زمان به بعد شکل گیاهان دیگری که در کنار رودخانه رشد می‌کردند مورد استفاده قرار گرفت و شکل گیاه لوتوس نیز تغییراتی یافت. مصریان به دلیل این که از سیمان استفاده نمی‌کردند، برای بر پا نگه داشتن ستون‌ها آنها را بزرگ می‌گرفتند تا وزنشان بیشتر شود.

تخت جمشید

کوروش پس از پیروزی بر مادها پادشاهی هخامنشی را بنیان نهاد. پایتخت آنها در ابتدا پاسارگاد بود و بعد به هگمتانه منتقل گردید. کوروش، حکومت خود را تا بابل، یونان و مصر گسترش داد و توانست اقوام ساکن در مناطق دیگر را تحت حکومت خود درآورد و امرایی را که ساتراپ نامیده می‌شدند، بر آنها گمارد.

بر اساس ترتیب تاریخی تخت جمشید بعد از بناهای پاسارگاد و شوش ساخته شده‌اند، اما تخت جمشید مهم‌ترین منبع اطلاعاتی ما درباره معماری ایران است. بنای تخت جمشید در پای کوه رحمت در شمال شرقی شیراز بر روی یک صفا به تقریبی ۱۳۵۰۰۰ متر مربع احداث گردیده است. این مجموعه ترکیبی است از چند کاخ عظیم که ستون‌های مرتفعی سقف آنها را بلند کرده‌اند. با وجود خرابی‌های زیاد این بناها هنوز می‌توان نشانه‌هایی از شکوه آن روزگار را دید. ستون‌های کاخ‌ها نیز به مرور زمان تخریب شده‌اند و فقط معدودی از آنها ایستاده بر جا مانده‌اند.

نخستین بخش از مجموعه تخت جمشید تالار ملل است که در انتهای گذرگاهی طولانی قرار دارد. ستون‌های این تالار حدود ۱۶/۵ متر ارتفاع دارند. این ستون‌ها اندکی باریک‌تر از ستون‌های سایر کاخ‌ها هستند. بدنه ستون بر روی زیرستونی زنگوله‌ای با شیارهای عمودی به نام قاشقی قرار دارد. بر روی زیرستون، یک تخته سنگ گرد قرار دارد که آن را شالی می‌گویند. در روی آن قلمه یا بدنه شیاردار قرار دارد. تعداد این شیارها ۴۸ عدد است. تعدد این شیارها موجب افزایش ظرافت و کشیده‌تر دیده شدن بنا شده است. در بالاترین قسمت ستون، پیش از سرتون، گل ستون قرار دارد. این قسمت شامل چند قسمت است و تزئینات آن عبارتند از: برگ، غنچه گل دوازده پر نیلوفر آبی، برگ‌های طوماری و پیچکی نخل. آخرین بخش ستون، سر ستون است که در ستون‌های تالار ملل به شکل گاو زانو زده با تزئینات گل

و برگ ساخته شده است. بر فراز سرستون، میان سر و گردن گاوهای پشت به هم داده، یک تیر بزرگ چوبی قرار می‌گرفته. این تیرها نیز به نوبه خود تیرچه‌های دیگر را حمل می‌کردند و سقف را نگه می‌داشتند.

کاخ آپادانا: این کاخ دارای یک تالار با ۳۶ ستون و سه ایوان است که هر یک ۱۲ ستون دارند. مجموع ستون‌های این کاخ ۷۲ عدد بوده است. ستون‌های ایوان غربی کاخ آپادانا از سه قسمت شکل گرفته‌اند. زیرستون به شکل زنگوله و مزین به گلبرگ‌های موازی به ارتفاع ۱/۵ متر؛ ساقه استوانه‌ای با شیارهای استوانه‌ای به ارتفاع ۱۵/۶۳ متر؛ سر ستون به شکل گاو دو سر که تیر چوبی در میان آنها قرار می‌گیرد. ارتفاع کل ستون ۱۹ متر است. ترکیب ستون‌های ایوان شمالی درست مانند ستون‌های دروازه ملل هستند. یعنی زیرستون آنها به شکل زنگوله‌ای شیاردار است؛ ساقه آنها استوانه فاشقی‌دار به طول ۹/۶۶ متر؛ و گل ستون نیز به شکل تزئین شده با برگ‌های طوماری و پیچکی نخل. سرستون‌ها نیز گاو دو سر هستند. ستون‌های ایوان شرقی مانند ستون‌های ایوان غربی هستند، با این تفاوت که سرستون به شکل شیر دو سر می‌باشند. در تالار مرکزی آپادانا به ستون‌هایی مشابه آنچه در ایوان شمالی ساخته شده برمی‌خوریم. تنها تفاوت آنها در شکل زیرستون‌هاست: زیرستون‌ها در این تالار به جای شکل زنگوله‌ای، از دو قطعه سنگ مکعبی شکل ساخته شده‌اند؛ به احتمال زیاد این کار تحت تأثیر ستون‌های شیوه ایونی یونانی است، اما ظرافت این شیوه در این ستون‌ها چندان مشهود نیست.

تالار شورا (کاخ سه دروازه): ستون‌های این کاخ دارای زیرستون‌های زنگوله‌ای و مزین به گلبرگ هستند. تنه مرکب از قلمه شیاردار، گل و بوته و دو عضو گل دار دیگر است. بر بالای این ستون‌ها گاو با دو سر انسان به پایین نگاه می‌کند.

تالار خزانه: ستون‌ها در این بنا از جنس چوب با پوششی از گل و گچ رنگین به رنگ‌های سفید و آبی و قرمز ساخته شده‌اند. باز همچون شیوه ایونی معماری یونان زیرستون‌ها همگی از سنگ چهار گوش و یا گرد هستند. با این تفاوت که در سبک ایونی بر روی زیرستون‌ها حجاری‌هایی با موضوعات اساطیر یونان وجود دارد که در زیرستون‌های ایرانی نیست.

تالار صد ستون: زیرستون‌ها همه به شکل زنگوله بوته دار هستند. قلمه ستون‌ها به شکل استوانه شیاردار بودند و در بالای آنها گل و بوته‌هایی به شکل درخت نخل وجود داشت. بر بالای آنها نیز سرستون گاو دو سر قرار داشت. بر اساس تحقیقات خانم و آقای تیلیا معلوم شده است که ارتفاع هر یک از ستون‌ها در این بنا ۱۴ متر بوده است. درگاه شمالی به ایوان بزرگی باز می‌شد که دارای ستون‌های مشابه تالار بودند. تفاوت آن در نوع سرستون‌ها بود. سر ستون‌های این بنا مانند سر ستون‌های کاخ سه دروازه به شکل گاوهای با سر انسان بودند.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، در کنار تخت جمشید و پیش از آغاز بنای آن، دو مجموعه کاخ‌های دیگر مربوط به دوره هخامنشی وجود دارند، که هر یک بنا بر وضعیت محیطی و شرایط زمانی و نوع کاربرد ساخته شده، و به همین دلیل تفاوت‌هایی زیادی با مجموعه تخت جمشید دارند. در اینجا معرفی آنها می‌پردازیم:

پاسارگاد

مجموعه کاخ‌های پاسارگاد اقامتگاه کوروش کبیر، در ۴۸ کیلومتری شمال تخت جمشید واقع است. این مجموعه شامل دروازه اصلی، تالار بار عام و کاخ مسکونی است. دروازه اصلی تالار ستون‌داری بوده که دو ردیف چهارتایی از ستون‌های سنگی ساخته شده بوده است. کاخ‌ها و دروازه دارای تالار مستطیل شکلی بودند که با سقف‌های مسطح متکی بر ستون‌های سنگی پوشیده شده بودند. ستون‌ها را از سنگ سفید و ساده و بدون شیار و ته ستون‌ها را به شکل مربع و از سنگ سیاه ساخته بودند. سرستون‌ها نیز از جنس سنگ سیاه به شکل نیم تنه گاو نر با سر انسان یا اسب پرداخته شده بودند.

ستون‌های کاخ نیز بدون شیار و از رنگ سفید بودند. پایه آنها بلند و به رنگ سیاه، با زینتی از نوار مدور شیاردار سفید رنگ بر روی آن. سرستون‌ها که نسبت به ساقه ستون پیچیده‌تر هستند، از سنگ سیاه و به شکل گاو نر، شیر یا اسب ساخته شده بودند. طول و عرض پایه ستون‌های کاخ اختصاصی کوروش ۱/۲۳ x ۲۳/۱ متر است. روی قطعه سنگ مذکور تکه سنگ دیگری شبیه مرمر به همان ابعاد نصب شده است. بر روی این مجموعه سنگ سفید دیگری به ارتفاع ۲۳ سانتی‌متر قرار داده شده. اندازه پایه سفید مرمر پاسارگاد ۸۸ سانتی‌متر است.

ستون‌های در دروازه اصلی از سنگ سفید، ساده، و بدون شیار بودند. پایه ستون‌ها از سنگ سیاه به شکل مربع ساخته شده بودند و سرستون‌ها از سنگ سیاه به شکل نیم تنه گاو نر با سر انسان یا اسب. بناهای مجلل پاسارگاد بر خلاف سبک معماری تخت جمشید که تحت تأثیر معماری مصر بر روی سکو ساخته شده است، بر روی زمین مسطح استوار گردیده‌اند. به طور کلی به نظر می‌رسد که مجموعه کاخ‌های پاسارگاد به دلیل نقش اقامتگاهی، و نه مرکز آیینی و میهمان‌پذیری، به شکلی کاملاً متفاوت و البته ساده‌تر از بنای تخت جمشید برپا شده است. عناصر موجود در مجموعه اخیر آن چنان مجلل و با شکوه هستند که گویی باید نظر خارجی‌ان و خراج‌گذاران را جلب کرده و عظمت شاهی را به آنها بنمایاند، حال آن که در بنای پاسارگاد، فضا از آرامشی خاص برخوردار است.

شوش

کاخ‌های شوش نیز به دست داریوش ساخته شدند. این مجموعه هم مانند دیگر کاخ‌های هخامنشی از چهار جزء تالار پذیرایی، تالار بار عام، اتاق‌های مسکونی و دروازه اصلی تشکیل

شده است. در ساخت این کاخ‌ها هنرمندان و صنعت‌گرانی از مصر، یونان، و بین‌النهرین نقش داشته‌اند. اصول معماری این بناها مشابه بنای پاسارگاد است، با این تفاوت که ستون‌های شوش به صورت شیاردار ساخته شده‌اند و با سرستون‌هایی به شکل نیم تنه گاو مزین گشته‌اند. همچنین ارتفاع این ستون‌ها از کف زمین به ۲۰ متر می‌رسد.

هر ایوان کاخ شوش شامل دو ردیف شش ستونی بوده است و هر پایه از حیث شکل و زینت با پایه ستون دیگر فرق داشته و به شکل گلدان وارونه ساخته می‌شده. ستون‌ها به رنگ زرد روشن بوده است. این رنگ آمیزی آنها را مرمر گونه نشان می‌دهد و در ضمن ایرادات سنگ آهکی را نیز پنهان می‌کرد.

پیشتر دانستیم که بنای تخت جمشید بر روی صفه‌ای قرار دارد. این مسئله شاهدهی است بر این که طراحان این منطقه اصولاً ایرانی نبوده‌اند. چرا که ایرانیان در این منطقه خشک نیازی به ساختن بناها بر روی یک سکو ندارند. از آنجا که هخامنشیان کوچ نشین بودند و گله دار، طبیعی می‌نماید که تبحری در احداث ساختمان‌های چنین باشکوه نداشته باشند. اما همانطور که تاریخ عصر این سلسله نشان داده است، آنچنان توانایی و اقتداری داشته‌اند که توانسته‌اند ملل مختلف را زیر نفوذ خود آورده و از توانایی‌های آنها در جهت اهداف خود استفاده کنند. مصری‌ها در این زمان تحت سلطه هخامنشی‌ها بودند و همچون سایر ملل در خدمت ایشان. پس ساختن این بنا را می‌توان به آنها نسبت داد. چرا که مصریان باستان که در کنار رود نیل زندگی می‌کردند، مجبور بودند خانه‌هایشان را روی سکوهایی مرتفع بسازند تا از گزند طغیان رود در امان باشند. آنها همین نگرش را بدون آن که نیازی به آن باشد، در ساختن مجموعه تخت جمشید نیز بکار بردند.

ستون‌هایی که عنصر اصلی و مهم این دوره هخامنشی را تشکیل می‌دهند، به خاطر سرستون‌هایش که از قسمت قدامی حیوانات واقعی و موجودات اسطوره‌ای تشکیل یافته‌اند، از مجموعه ترکیبی عناصر دیگر ساختمان‌های تخت جمشید دور نیست. نمای کلی این ستون‌ها روی هم رفته شبیه نمای ستون‌های شوش بوده و پایه آنها مربع و یا به شکل گلدان وارونه است. برخی مواقع، روی زیرستون مربع شکل ته ستونی با شیارهای افقی دایره شکل (شالی) قرار می‌گیرد، که به احتمال زیاد اقتباس از الگوی ایونی یونانی است. با این اختلاف که ظرافت و زیبایی پایه ستون‌های شیوه ایونی یونانی - که هنرمندان و حجاران یونانی از مخترعین آن بودند- در نمونه‌های هخامنشی چندان مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این در قسمت زیرین زیرستون‌های ایونی پایه‌های مربع شکل سنگی به کار می‌رود که در بیشتر مواقع بر خلاف نمونه‌های هخامنشی در پاسارگاد و تخت جمشید است، که چهار طرفشان ساده رها می‌شود. اما در نمونه‌های ایونیک این پایه‌های مربع شکل پر هستند از نقش برجسته‌هایی که پیرامون اساطیر یونان حجاری شده‌اند.

اطراف بعضی از زیرستون‌های هخامنشی در تخت جمشید که به شکل زنگوله هستند، با الهام و تأثیرپذیری از ستون‌های مصری، با برگ‌های درخت خرما و گل نیلوفر آبی، به صورت نقش برجسته‌هایی بسیار ظریف به شیوه‌ای تزئین یافته است که با تناسب و جلوه خاص به عنوان یک شاهکار، جلال و جمال ویژه‌ای به معماری هخامنشی بخشیده است و چنان شیوه هنری با آن سرستون‌های ترکیبی خلق کرده است که هرگز در معماری یونانی دیده نشده است.

در عصر هخامنشیان به احتمال زیاد ستون‌هایی که سرستون کامل داشتند در بخش داخلی به کار برده می‌شدند. ولی در ایوان‌های ستون‌دار که در سه طرف تالارها قرار داشتند عموماً نیم تنه گاو و سایر موجودات افسانه‌ای، مستقیماً در روی ستون سوار می‌شدند. گفتنی است که ستون‌های تخت جمشید بر خلاف پاسارگاد، ولی مشابه شوش، به صورت شیاردار هستند. البته تعداد شیارها در تخت جمشید بیشتر است.

اهمیت ستون در معماری هخامنشی عنصر متمایز کننده آن از معماری آشوری محسوب می‌شود. ولی همین عنصر در معماری کاخ‌ها و معابد یونان و مصر از اهمیتی مشابه برخوردار می‌باشد. بنا بر این، برخی معتقدند که اصولاً معماری تالار بزرگ معبد تب (Tebe) در مصر منبع الهام سازندگان بناهای دوره هخامنشی است. همچنین تزئینات کاخ‌های شاهی نیز به تقلید از معابد مصر بوده است. البته آنچه اینها را از هم جدا می‌کند، تأثیر ذوق و اندیشه ایرانی در کار سازندگان بناها است. اما نکته بسیار مهم و شاخص در معماری هخامنشی شکل سرستون‌های منحصر بفرد آن است. به طور کلی سرستون‌های ایرانی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

- سرستون‌هایی به شکل دو نیم تنه گاو نر که پشت به هم قرار دارند.
 - سرستون‌هایی به شکل حیوان افسانه‌ای عقاب با تنه شیر که اصطلاحاً گریفون خوانده می‌شوند.
 - سرستون‌هایی به شکل دو نیم تنه شیر.
 - سرستون‌هایی به شکل انسان با تنه گاو بالدار موسوم به لاماسو.
- همه این سرستون‌ها به شکلی جفتی و پشت به هم بر بالای ستون‌ها جای داده می‌شدند و بر روی کمر آنها تیرهای چوبی سقف قرار داشتند.

با شباهت‌هایی که بین ساختمان‌های شوش و تخت جمشید بویژه از نظر ستون و سرستون وجود دارد، می‌توان چنین تصور کرد که بعد از این که کار معماران و هنرمندان در شوش به پایان رسید برای ادامه کار به تخت جمشید رفته‌اند با آن که در کتیبه داریوش تصریح شده است که ستون‌ها، کار سنگ‌تراشان یونانی و "لیدی" بوده است، ولی ستون‌ها و

سرستون‌های هخامنشی همان طوری که ظاهر آنها نشان می‌دهد یونانی نبوده و پایه‌ای گلدانی شکل آنها در هیچ از زیرستون‌های شناخته شده وجود ندارند. علاوه بر این اکثر زیرستون‌های گلدانی شکل هخامنشی دارای شیارهای عمودی بوده، در حالیکه زیرستون‌های یونانی بخصوص در شیوه معماری ایونیک، عمدتاً دارای برجستگی‌های افقی دایره شکل و تورفتگی‌های قاشقی هستند. علیرغم شباهت‌های اندکی در اصول معماری هر دو کشور ایران و مصر باستان، هیچ یک از ستون‌های یونانی به ارتفاع ستون‌های هخامنشی نمی‌رسد. (بلندترین ستون‌های مصر مربوط به معبد لاکسور است که ارتفاع آنها ۱۶ متر است.) "در معماری سنگی مصر عموماً ستون‌های کوتاه و کلفت و نسبتاً نزدیک به هم به کار می‌رفت." این ستون‌ها آنچنان قطور و زمخت هستند که گویی فضای اطراف برای حفظ آنها در نظر گرفته شده. به عبارت دیگر، عملکرد باربری آنها تحت‌الشعاع ماهیت نمایشی‌شان قرار گرفته است. این در حالی است تناسب ستون‌ها در بناهای هخامنشی "مخصوصاً معماری ایرانی است. این ستون‌ها که کشیده‌ترین نوع ستون در معماری دنیای باستان است غالباً دارای ارتفاع معادل چهارده برابر قطر ستون هستند، در حالی که در دیگر نقاط جهان باستان، بلندی ستون به بیش از هشت برابر قطر آن نمی‌رسد."

در پاسارگاد، شکل زیرستون‌های دارای شیارهای افقی همانند زیرستون‌های شیوه ایونی است. "با این اختلاف که در شال ستون‌ها، تزئینات شیاردار افقی در نمونه‌های یونانی از عمق بیشتری برخوردار بوده است. در صورتیکه در پاسارگاد این بخش با شیارهای کم عمق و با ظرافت بیشتر تظاهر می‌کند." نکته مهم دیگر این است که در بنای ستون‌های پاسارگاد از دو نوع سنگ سیاه و سفید استفاده شده است. این ویژگی که در معماری سایر ملل به ندرت دیده می‌شود، موجب افزایش زیبایی بنا بوده است.

نتیجه‌گیری

هنر هخامنشی همواره تحت تأثیر هنر سایر اقوام بوده است. این تأثیر پذیری از اخلاف آنها یعنی مادها آغاز شده و دامنه آن به بین‌النهرین، یونان و مصر کشیده شد. اما این تأثیر پذیری منفعلانه نبود و آنها با مدیریت توانمند خود توانستند تجربه و توان هنری اقوام تحت فرمان خود را در اختیار گرفته و آنها را به بهترین شکلی تکامل بخشند. بهترین نمونه این رفتار در معماری آنها و بویژه ستون‌ها و سرستون‌ها به بهترین شکل خودنمایی می‌کند.

ترکیب گوناگونی که در مورد نقشه و طرح کاخ‌های باشکوه و سایر بناهای مربوط به آنها به مورد اجرا گذاشته شده است، در ستون‌های این دوره از پاسارگاد گرفته تا شوش و تخت جمشید مشهود است. ترکیب و تلفیق شیوه‌های هنری مختلف، از یونان، مصر، آسیای صغیر، بین‌النهرین با ذوق و سلیقه خود منجر به خلق ستون‌های منحصر بفردی شد که تا آن زمان بی‌نظیر بودند. ستون‌های فول پیکر مصری با آن نقش و نگارهای شلوغ که هر نوع زیبایی را

فدای بیان عظمت و شکوه فرعون کرده است، و فضاهاى خفه و بسته بین آنها، هرگز یارای مقابله با زیبایى وصف ناشدنى ستون‌هاى رعناى هخامنشى را ندارند. همچنین ستون‌هاى پیشرفته‌تر و متنوع یونانى که خود منشأ الهام سازندگان ستون‌هاى ایرانى بودند، باز همچون طرحى خام در برابر یک اندیشه پخته و بلوغ یافته به نظر مى‌رسند. اندیشه‌اى این چنین که توانست با چنان جسارت ستون‌هاى به ارتفاع ۲۰ متر خلق کند که نظیر آن هرگز دیده نشده بود.

منابع

- حاتم، دکتر غلامعلى،، آشنایى با هنر در تاریخ ۱ و ۲، تهران، پیام نور، ۱۳۸۱
- مرزبان، پرویز،، خلاصه تاریخ هنر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۴
- گاردنر، هلن،، هنر در گذر زمان، محمد تقى فرامرزی، چاپ سوم، تهران، آگاه، ۱۳۷۴
- شهبازى، ع. شاپور،، شرح مصر تخت جمشید، میراث فرهنگى، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵
- شولتز، رگینه، (Regine Schultz)، سیدل، ماتياس (Seidel, Matthias)،، گردآورنده، ' Egypt: The World of the Paraohs'، آلمان، کونمان (K_nemann)، 1998
- رمضانى، فرزانه،، ستون و سرستون در تخت جمشید، دکتر غلامعلى حاتم، کارشناسى، دانشگاه آزاد اسلامى، تهران مرکزی، نقاشى، ۱۳۸۰
- انکارتا (دانشنامه)، 'Microsoft Encarta Refference'، نسخه دیجیتالى، ۲۰۰۱